

A study of plot, character development and point of view in the autobiography Those Years *

Dr. Zohre Ahmadipooranari¹

Dr. Mousa Ghonchepour

Assistant professors of Persian language and literature, Farhangian University
of Kerman

Maryam Mozafari Nezhad Ravari

Graduate of Persian Language and Literature, Farhangian University of
Kerman

Abstract

Biography is one of the narrative formats. Memoir and travelogue are in the same category with it. Biography is, on the one hand, similar to history because real events are reported and, on the other hand, like story because the persons in it are narrated as fictional characters. When through a bibliography, the reader follows it and asks himself: What will happen next? With regard to the given similarities of the biography and story, the present study investigates characterization, point of view and plot in a biography to see if there is a pattern in it. Moreover, it will clarify the extent to which the characteristics of biography and story resemble each other, and the features of the point of view in the biography. This research done by a descriptive-analytical method showed that the plot is greatly different in biography and story. The narrations of a biographer is often in a chronological order, and his speech is overt and in detail. The biographer takes into account the characterization of people, and it is often done through a direct description. The point of view in Those Years autobiography is the first-person, and, in the description of the other characters, it is the third-person. External monologues have also frequently been used in the autobiography.

Keywords: Those Years autobiography, Mohammad Ja'ffar Yahaqi, Story, Characterization, Point of view, Plot.

* Date of receiving: 2020/4/25

Date of final accepting: 2020/8/24

1 - email of responsible writer: ahmadypoor@yahoo.com

فصلنامه علمی کاوش نامه

سال بیست و دوم، بهار ۱۴۰۰، شماره ۴۸

صفحات ۱۶۴-۱۳۹

DOR: [20.1001.1.17359589.1400.22.48.5.5](https://doi.org/10.1001.1.17359589.1400.22.48.5.5)

بررسی پیرنگ، شخصیت‌پردازی و زاویه دید در زندگی‌نامه خودنوشت «آن سال‌ها»^{*} (مقاله پژوهشی)

دکتر زهره احمدی‌پور اناری^۱

دکتر موسی غنچه‌پور

استادیاران زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان کرمان

مریم مظفری‌نژاد راوری

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان کرمان

چکیده

زندگی‌نامه، یکی از قالب‌های روایی است. خاطره و سفرنامه نیز از گونه‌های زندگی‌نامه هستند. زندگی‌نامه از یک سو تاریخ است؛ زیرا رخ‌دادهای واقعی در آن گزارش می‌شود و از سوی دیگر، شبیه داستان است؛ زیرا اشخاص زندگی‌نامه، مانند شخصیت‌های داستانی توصیف می‌شود و خواننده روایت، را دنبال می‌کند و از خود می‌پرسد: بعد چه خواهد شد؟ با توجه به شباهت‌های زندگی‌نامه با داستان، در این تحقیق، به عنصر «پیرنگ»، «شخصیت‌پردازی» و «زاویه دید» پرداخته می‌شود تا روشن گردد که آیا زندگی‌نامه پیرنگ داستانی دارد؟ شخصیت‌پردازی اشخاص زندگی‌نامه، چه اندازه شبیه شخصیت‌پردازی داستان است و نیز معلوم گردد زاویه دید در زندگی‌نامه چه ویژگی‌هایی دارد.

این پژوهش که با روش توصیف و تحلیل انجام گرفته، نشان داد که پیرنگ در زندگی‌نامه و داستان، تفاوت بسیار دارند؛ زیرا روایات نویسنده زندگی‌نامه اغلب به ترتیب تاریخی است و او در بیان خود به خاطر حفظ عنصر رمز، در بیان خود امساک نمی‌ورزد. نویسنده زندگی‌نامه، در شخصیت‌پردازی، ملاحظاتی را رعایت می‌کند و شخصیت‌پردازی اغلب از نوع توصیف مستقیم نویسنده است. زاویه دید در «آن سال‌ها»،

^{*} تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۶/۰۳

^۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: ahmadypoor@yahoo.com

اول شخص است و در مواردی که شخصیت‌های دیگر توصیف می‌شوند از زاویه دید سوم شخص استفاده می‌شود. همچنین در زندگی‌نامه‌نویسی از تک‌گویی بیرونی بسیار استفاده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آن سال‌ها، محمدجعفر یاحقی، زندگی‌نامه، داستان، شخصیت‌پردازی، زاویه‌دید، پیرنگ.

۱- مقدمه

زندگی‌نامه (Biography) به معنی تاریخ زندگی یا دوره‌ای از زندگانی یک شخص در حدود اطلاعاتی است که نویسنده از احوال وی دارد (رستگار فسایی، ۱۳۹۷: ۳۲۲). از نوشته‌های خواندنی در هر زبان، خاطرات یا یادداشت‌هایی است که گاه، اشخاص در گزارش احوال خود می‌نویسند. این‌گونه آثار را در اصطلاح، «حسب‌حال» هم می‌گویند (همان: ۳۲۵).

زندگی‌نامه خودنوشت (Autobiography) به آثاری اطلاق می‌شود که شرح حال افراد و رخ‌دادهای زندگی آنان، ضمن تحلیل و توصیف جریان‌های فکری، سیاسی و اجتماعی زمان ایشان، به قلم خود آن اشخاص نوشته شده باشد. از وجوه اهمیت زندگی‌نامه آن است که این قالب نوشتاری، یکی از نیازهای فرهنگی را مرتفع می‌سازد. در هر عصری نیازهای جدیدی برای خوانندگان و نویسندگان پدید می‌آید که زندگی‌نامه‌ها می‌کوشند به این نیازها پاسخ گویند. یکی از این نیازها، بازخوانی و بازآفرینی میراث معنوی، هویت تاریخی و شجره‌نامه‌های خانوادگی است (ملائی توانی، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

زندگی‌نامه‌نویسی در ایران سابقه طولانی دارد، به طوری که گذشته از اجزای خدای‌نامه، حتی بعضی کتیبه‌ها مانند کتیبه بیستون را می‌توان از نوع شرح حال به شمار آورد. رساله پهلوی «کارنامه اردشیر بابکان»، نمونه‌ای است از این گونه آثار که ظاهراً در عهد ساسانی نظایر زیادی داشته است. کتب تذکره عرفا و تذکره شاعران نیز زندگی‌نامه هستند (امیری خراسانی و فرخ‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۲۷). زندگی‌نامه‌نویسی به صورت یک قالب

ادبی، در قرن هفدهم به ادبیات غرب راه یافت. در این قرن، زندگی‌نامه‌های متعددی نوشته شد که از آن میان *زندگی‌نامه پلوتارک* از جان درایدن (John dryden)، شهرت بسزایی دارد. درایدن، نخستین نویسنده‌ای بود که کاربرد زندگی‌نامه‌نویسی را درک کرد (همان: ۱۲۸).

«آن سال‌ها» یک مجموعه دوجلدی است که شرح بخشی از زندگی محمدجعفر یاحقی را در بر دارد و در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده‌است. جلد اول این کتاب، مربوط به خاطرات کودکی و نوجوانی نویسنده است که با عنوان فرعی «یادهای کودکی و نوجوانی» چاپ شده و دفتر دوم هم مربوط به اتفاقات دوران دانشجویی و روزگار جوانی محمدجعفر یاحقی است که عنوان فرعی آن «یادهای جوانی و سال‌های دانشجویی» است. این زندگی‌نامه، روایتی واقعی از زندگی ایشان است که بسیار مهیج هم هست؛ زیرا خواننده انگار در حال خواندن داستان است و دائم می‌خواهد بداند که بعد چه اتفاقی می‌افتد.

زندگی‌نامه شبیه داستان است، اما پرسش اصلی این است که زندگی‌نامه چه اندازه شبیه داستان است؟ و چه تفاوت‌هایی با داستان دارد؟ برای پاسخ به پرسش فوق، سه عنصر داستانی «پیرنگ» (Plot)، «شخصیت‌پردازی» (Characterization) و «زاویه دید» (Point of view) در «آن سال‌ها» بر اساس منابع اصلی داستان‌نویسی (از جمله عناصر داستان و جنبه‌های رمان) بررسی می‌شود و سپس شباهت‌ها و تفاوت‌های این سه عنصر داستانی در این زندگی‌نامه در مقایسه با داستان تحلیل و توصیف می‌شود.

۲- پیشینه تحقیق

درباره زندگی‌نامه‌نویسی و عناصر داستانی در زندگی‌نامه، این پژوهش‌ها انجام شده است: یوسفی در کتاب ارزشمند «دیداری با اهل قلم» (۱۳۶۷) ضمن معرفی و نقد کتاب «شرح زندگانی من» خاطر نشان کرده است ویژگی‌هایی چون دقت نظر، توصیفات دقیق

و نمایش منش‌ها و اشخاص گوناگون موجب شده که قسمت‌هایی از «شرح زندگانی من» داستان‌گونه باشد.

فراگنر در کتاب «خاطرات نویسی ایرانیان» (۱۳۷۷) با نگرشی علمی خاطرات امین الدوله و ظهیرالدوله را از نظر شیوه نگارش و دیدگاه نویسنده نقد کرده است و در بخش دوم کتاب به معرفی سفرنامه‌ها، خودسرگذشت‌نامه‌ها و زندگی‌نامه‌های دوره قاجار پرداخته است.

ایروانی در مقاله «نگاهی به خاطره‌نویسی و مقایسه آن با زندگی‌نامه و سفرنامه» (۱۳۸۶) خاطره‌نویسی را یکی از گونه‌ها و زیرمجموعه‌های زندگی‌نامه شمرده است (ایروانی، ۱۳۸۶: ۷۹).

ملائی توانی در مقاله‌ای با عنوان «اصول و مبانی سرگذشت‌نگاری: ملاحظاتی درباره روش‌شناسی زندگی‌نامه‌نویسی» (۱۳۸۸) به دسته‌بندی برخی از انواع زندگی‌نامه، اهمیت زندگی‌نامه‌نویسی، منابع زندگی‌نامه‌نگاری، نقد زندگی‌نامه و روش‌های پژوهش در سرگذشت‌نگاری می‌پردازد. این مقاله به زندگی‌نامه‌های خودنوشت و عناصر داستانی در آن پرداخته است.

از جمله مقالاتی که در آن عناصر داستانی خاطره (که گونه‌ای از زندگی‌نامه است) بررسی شده، مقاله‌ای است با عنوان «عناصر داستانی خاطره‌نوشته‌های دفاع مقدس با تأکید بر اثر دختر شینا» (زارع، ۱۳۹۷). نویسنده در این مقاله، ادعا کرده است که در خاطره نیز مانند داستان، از عناصر «شخصیت»، «زاویه دید» و «پیرنگ» استفاده می‌شود. نویسنده مقاله با ذکر مثال‌هایی از رخداد‌های کتاب «دختر شینا»، علت‌هایی برای هر یک از رخدادها ذکر کرده و بدین صورت وجود «پیرنگ» را در خاطره‌نوشته، ثابت کرده است.

همچنین، در مقاله «بررسی تطبیقی «الایام» طه حسین و «روزها»ی محمدعلی اسلامی ندوشن» (ایرانمنش؛ نصر اصفهانی، ۱۳۹۱) زندگی‌نامه از نظر «طرح» بررسی

شده است، اما «طرح» در آن، نه به عنوان یک عنصر داستانی، بلکه به مثابه یکی از لوازم هر نوع نوشته معرفی شده و با عبارت کلی (حرکت از نقطه «از» به سوی «به») تعریف شده است.

۳- بحث

در ابتدا باید روشن شود که زندگی‌نامه و داستان، چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌هایی دارند. در زندگی‌نامه همچون «داستان»، شرح زندگی انسان‌ها و اخلاق و روحیات آنها روایت می‌شود، بنابراین، نویسنده زندگی‌نامه شخصیت‌پردازی می‌کند. زندگی‌نامه زاویه‌دید هم دارد؛ زیرا روایت شخصیت‌های زندگی‌نامه نیازمند زاویه‌دید است. زندگی‌نامه طرح یا پیرنگ هم دارد؛ اما کاربرد این عناصر داستانی ویژگی‌های خاصی دارد. زیرا زندگی‌نامه شرح واقعی یک زندگی است، در حالی که «ادبیات داستانی» (Fiction) در معنای جامع آن به هر روایتی که خصلت ساختگی و ابداعی آن بر جنبه تاریخی و واقعیش غلبه کند اطلاق می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۲۹). با توجه به تعریف «ادبیات داستانی»، تفاوت ذاتی زندگی‌نامه و داستان روشن می‌شود؛ رخ‌دادهای زندگی‌نامه بر مبنای واقعیت است و داستان بر مبنای «تخیل» نویسنده به وجود می‌آید و این نکته تفاوت‌های اساسی در کاربرد عناصر داستانی، به‌ویژه پیرنگ داستان و زندگی‌نامه به وجود می‌آورد.

زندگی‌نامه شبیه آثار داستانی است؛ زیرا داستان‌ها نیز درباره آدم‌ها هستند؛ داستان‌ها را نیز نویسندگان بر اساس زندگی و تجارب شخصی خود می‌نویسند، گرچه ضمن نوشتن با کمک تخیل خود آنها را بهتر می‌کنند یا تغییر می‌دهند (آزبورن، ۱۳۸۷: ۳۹). عنصر مشترک بین زندگی‌نامه و داستان، تأثیر عاطفی و احساسی آنهاست و علاقه به شنیدن ادامه ماجرا - که یکی از خصلت‌های بارز داستان است - در زندگی‌نامه نیز وجود دارد؛ زیرا هم داستان و هم زندگی‌نامه، متن روایی هستند.

قابل ذکر است که گاه پژوهشگران با مسامحه، زندگی‌نامه را نیز چون داستان در نظر گرفته‌اند؛ چنان که در مقایسه دو زندگی‌نامه روزها، نوشته اسلامی ندوشن و *الایام* نوشته طه حسین آمده است: «از لحاظ سبک داستان‌نویسی می‌توان به شباهت‌هایی اشاره نمود: دکتر طه حسین و دکتر اسلامی ندوشن، هر دو از فارغ‌التحصیلان دانشگاه سوربن در فرانسه می‌باشند و...» (ایرانمنش، نصر اصفهانی، ۱۳۹۱: ۲۲). در این نقل قول نویسندگان سبک داستان‌نویسی را به معنی «روال ذکر روی‌دادها و مضامین زندگی‌نامه» به کار برده‌اند.

۱-۳- پیرنگ

داستان، نقل رشته‌ای از حوادث است که بر حسب توالی زمانی ترتیب یافته است، اما پیرنگ، نقل حوادث با تکیه بر موجبیت و روابط علت و معلولی است (فورستر، ۱۳۸۴: ۱۲۱). ارسطو تعریف صریحی برای پیرنگ داده است و پیرنگ را «ترکیب‌کننده حوادث» و «تقلید از عمل» دانسته است (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۶۲).

ارسطو می‌گوید پیرنگ، تقلید از عمل است، حال این سوال باید پاسخ داده شود که آیا «زندگی‌نامه»، «تقلید از عمل» است؟ یا این‌که زندگی‌نامه «نقل عین عمل» است؟ برای روشن شدن مطلب، نویسنده زندگی‌نامه را به عکاس و نویسنده داستان را به نقاش تشبیه می‌کنیم. پس زندگی‌نامه، مانند عکس است و داستان مانند نقاشی؛ عکاس در زشتی و زیبایی پدیده‌ها در عکس و تناسب اندازه‌های آن و رنگ‌آمیزی آن نقشی ندارد؛ در حالی که نقاش درباره زشتی و زیبایی نقش، تناسب، کمیّت و کیفیّت آن تصمیم می‌گیرد و طراحی می‌کند و مشخص می‌سازد که آن را چگونه رسم کند. بنابراین به نظر می‌رسد زندگی‌نامه، «تقلید از عمل» نیست.

تولستوی «جنگ و صلح» را با تقلید از دیده‌ها و شنیده‌های خود از کشور روسیه نوشت؛ شخصیت‌ها و حوادث در «جنگ و صلح»، عینی و واقعی نیست، بلکه تقلیدی

از واقعیت است، اما در «آن سال‌ها» شخصیت‌ها واقعی هستند نه تقلیدی، حوادث نیز واقعی هستند. طبعاً واقعی بودن شخصیت‌ها و رخدادها سبب تفاوت پیرنگ خواهد شد. گفته شده است «پیرنگ فقط ترتیب و توالی وقایع نیست بلکه مجموعه سازمان‌یافته وقایع است. این مجموعه وقایع و حوادث، با رابطه علت و معلولی به هم پیوند خورده و با الگو و نقشه‌ای مرتب شده است» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۶۴). در برابر این سخن میرصادقی نیز پرسش دیگری به ذهن می‌رسد: مگر زندگی‌نامه فقط ترتیب و توالی وقایع نیست؟ آیا نویسنده زندگی‌نامه، رابطه حوادث را با رابطه علت و معلولی به هم پیوند داده است؟ زندگی‌نامه، بیان عینی واقعیت‌های زندگی است و طبق این پیش‌بینی، نویسنده نباید وقایع و رخدادها را طوری بچیند که علت و دلیل آن منطقی به نظر رسد. نویسنده زندگی‌نامه، حوادث را همان‌طور که اتفاق افتاده و بر اساس دلایل واقعی که در زندگی وجود داشته است، تعریف می‌کند و این نکته درباره‌ی خاطره هم صدق می‌کند. نویسنده خاطره هم طرحتی برای منطقی بودن رابطه علت و معلولی حوادث نمی‌ریزد؛ بلکه خاطرات به همان ترتیب و بر اساس همان دلایل که در واقعیت اتفاق افتاده است، نقل می‌شوند. به همین سبب، نویسنده داستان به باورپذیر بودن رخدادها داستان می‌اندیشد، اما نویسنده زندگی‌نامه در اندیشه دقیق بودن اطلاعات و اتفاقات است. به همین دلیل عبارت‌های تأکیدی در این زمینه بسیار دیده می‌شود و نویسنده خاطر نشان می‌سازد که آنچه می‌نگارد عین واقع است:

خوب به یاد دارم که بسیار شب‌های عادی چراغی روشن نمی‌کردیم (یا حقیقی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۲۷).

روشنایی آن قدیم‌ترها که من به یاد می‌آورم با چراغ موشی و کمی هم با چراغ روغنی بود (همان: ۲۹).

یادم می‌آید آن شب وقتی به خانه باز می‌گشتیم ابتدایش اندکی خواب بر من چیره شده بود (همان: ۲۶).

نویسنده‌ای درباره پیرنگ و زندگی گفته‌است: «زندگی واقعی، به نظر پیرنگ ندارد. وقتی فکر می‌کنم که یک پیرنگ می‌تواند چه قدر مفید و در واقع ضروری باشد نسبت به زندگی یک عداوت شدید پیدا می‌کنم» (Doubtfire, ۱۳۸۸: ۹۱، به نقل از Compton-Burnett, Ivy). منظور نویسنده آن بوده که حوادث زندگی را نمی‌توان پس و پیش یا کم و زیاد کرد؛ در این صورت آیا نویسنده زندگی‌نامه می‌تواند چیزی بر حوادث واقعی بیفزاید یا آن را تغییر دهد؟

البته برخی پژوهندگان نظرشان خلاف این است و می‌گویند که زندگی‌نامه و خاطره هم مانند داستان، طرح و پیرنگ دارد؛ چنان‌که کتاب «دختر شینا» را - که شامل خاطرات دفاع مقدس است - دارای پیرنگ دانسته و گفته‌اند: «پیرنگ اثر دختر شینا، آن را از روایت تاریخی متمایز کرده است؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد در روایت تاریخی فقط ترتیب منطقی حوادث بر حسب توالی زمانی رعایت شده است و رابطه علی در آن وجود ندارد، اما پیرنگ این اثر بر پایه رابطه علت و معلولی بنا شده است» (زارع و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۹).

به هر حال، در برابر این سخن که: پیرنگ انتخاب نویسنده در زمینه حوادث و ترتیب زمانی آنهاست (مک کی، ۱۳۸۲: ۳۰)، باید این نکته روشن شود که در زندگی‌نامه‌نویسی و خاطره‌نویسی آیا نویسنده حوادث را انتخاب می‌کند؟ انتخاب حوادث در زندگی‌نامه چه تفاوتی با انتخاب حوادث در داستان دارد؟ پاسخ آن است که نویسنده زندگی‌نامه، در انتخاب واژه‌ها، انتخاب لحن، انتخاب توصیف‌های واقعی و انتخاب رخ‌دادها از میان تجربه‌های زیسته، آزاد است، اما نویسنده داستان در انتخاب اصل داستان و تمام جزئیات و کلیات آن به صورت نامحدود و در حدود تخیل خود آزاد است.

پیرنگ انواعی دارد؛ از جمله:

- پیرنگ خطی (Linear): که شروع و میانه و پایان دارد و در آن حوادث به ترتیب نقل می‌شود؛

- پیرنگ اپیزودی (Episodic): آن است که یک حادثه یا اپیزود کوتاه با شخصیت‌ها و موضوع مشترکی، به اپیزودهای دیگری مرتبط می‌شود؛

- پیرنگ انباشتی (Cumulative): پیرنگی است با مقدار قابل توجهی از تکرار عبارت، تکرار جمله یا تکرار حادثه که در آن با هر تکرار یک جنبه تازه‌ای به داستان اضافه می‌شود؛

- پیرنگ دایره‌ای (Circular): در این نوع پیرنگ، شخصیت‌ها در پایان داستان به موقعیتی می‌رسند که در ابتدای داستان داشته‌اند (Soe, 2010).

روشن است که پیرنگ زندگی‌نامه شرایط متفاوتی دارد، اما به هر حال زندگی‌نامه اگر پیرنگی هم داشته باشد از نوع خطی است؛ زیرا حوادث به ترتیب نقل می‌شود. ساختمان همه پیرنگ‌ها -چه پیچیده و چه ساده- از سه بخش «آغاز»، «میانه» و «پایان» تشکیل می‌شود. پیرنگ با واقعه‌ای -که اغلب با پدید آمدن عدم تعادل در موقعیتی همراه است- شروع می‌شود. این واقعه در میانه، بسط و گسترش می‌یابد و سرانجام در پایان به اوج خود می‌رسد (مستور، ۱۳۸۶: ۱۶). نوع داستان هرچه باشد، اوج لازم است. هر قدر هم توصیف قوی و مناسب باشد و هر اندازه هم اشخاص داستان خوب بدرخشند، داستان باید لحظه قاطعی داشته باشد، چنان لحظه‌ای که بتوان آن را به عنوان عالی‌ترین نقطه علاقه داستان بازشناخت.

پرسش: آیا زندگی‌نامه شروع و میانه و پایان دارد؟ آیا در زندگی‌نامه عناصر پیرنگ، از جمله تعلیق و نقطه اوج وجود دارد؟ «آن سال‌ها» مثل بسیاری از زندگی‌نامه‌ها فصل‌بندی شده است و هر فصل شروعی زیبا با نثری ادبی و لحنی مطمئن دارد که اغلب با توصیف همراه است، اما این توصیف‌ها در ابتدای فصل شبیه شروع داستان نیست، زیرا اغلب ماجرای شروع نمی‌شود، بلکه حرف‌هایی بیان می‌شود. جریان

روایت هم چنان دقیق و ادبی و آرام است که کمتر می‌توان نقطه اوجی در سراسر این زندگی‌نامه مشاهده کرد. عبارت زیر از موارد معدودی است که جریان روایت اوج می‌گیرد و راوی از زلزله سال ۱۳۴۷ فردوس سخن می‌گوید:

«هنوز آفتاب پر به کوه نزده بود که از مشهد خارج می‌شدیم با هول و دلهره و من در آشوب خیالات زلزله: مادرم، خواهرها و برادرم، آه خدایا! الان کجایند؟» (یاحقی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۲۴۰)

از سوی دیگر، عنصر راز، یا غافل‌گیری در بنای «پیرنگ» اهمیت فراوانی دارد و از تعلیق توالی زمانی نتیجه می‌شود. راز، لازمه پیرنگ است و بدون فراست و هوش نمی‌توان آنرا دریافت. هر جزیی از کردار یا گفتار پیرنگ باید جایی و مقامی داشته باشد و مبتنی بر ایجاز و فارغ از اطناب باشد؛ حتی طرح پیچیده هم باید مطالب اساسی را در برگیرد و زوائد در آن دیده نشود (فورستر، ۱۳۸۴: ۱۲۱-۱۱۸).

فورستر (Forster) می‌گوید «راز»، لازمه طرح است و از تعلیق زمانی، ناشی می‌شود. برای مثال، در داستان داش آکل، داش آکل عاشق مرجان می‌شود، اما مرجان تا بعد از مرگ داش آکل این راز را نمی‌فهمد. حتی خواننده هم در آخر داستان غافلگیر می‌شود وقتی می‌فهمد که داش آکل با طوطی درد دل می‌کرده است. غافل‌گیری خواننده هم به علت آن است که نویسنده تا پایان داستان این راز را برملا نکرده و به عهده تعلیق انداخته است. حال باید پرسید آیا در زندگی‌نامه، نویسنده رازی را کتمان می‌کند که بخواهد بعدها آن را آشکار و خواننده را غافلگیر سازد؟ قطعاً پاسخ منفی است.

در کتاب «آن سال‌ها» نویسنده قصد غافلگیری ندارد، حتی گاهی عاقبت برخی از مسائل را زودتر اعلام می‌کند. برای مثال، در جایی می‌نویسد «پدرم در زندگی غیر از زن و فرزند، غم دیگری هم داشت و آن برادر محجورش بود که سی و چند سال روی دستش ماند» (یاحقی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۴۰). خواننده از همان ابتدا، متوجه می‌شود که تا سال‌ها راوی و خانواده‌اش درگیر مسائل عمو هستند. در جای دیگری نیز نویسنده

عاقبت کار عمو را اعلام می‌کند: «غلامحسین صفوی دیگر به دنیای ما آدم‌هایی که هیچ گاه در کمال عقل خود شک نمی‌کنیم، بازنگشت و سی و چند سال پدرم را شیدای شب و روز خویش نگه داشت» (همان: ۷۷). بدین ترتیب، راوی، عاقبت مهم‌ترین مشکل خانواده خود را، اطلاع می‌دهد.

پایان کتاب نیز نمایانگر موفقیت نویسنده در سال‌های بعد است و نویسنده قصد کتمان ندارد:

«تابستان ۱۳۵۴ قرار بود آدمی دیگر بشوم، قرار بود پا بر سستیغ آرزوها بگذارم که گذاشتم...» (یاحقی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۴۲۴).

در سخن فورستر یک نکته دیگر نیز باید بررسی شود. فورستر می‌گوید پیرنگ باید مبتنی بر امساک و فارغ از اطناب باشد؛ در حالی که «زندگی‌نامه» همواره با اطناب همراه است. زندگی‌نامه‌نویس تلاش می‌کند هر چه دقیق‌تر بنویسد، از این رو بیش‌تر می‌نویسد؛ زیرا هدف از نوشتن داستان و زندگی‌نامه متفاوت است.

ساختار داستان باید چنان هنرمندانه رسم شود تا خواننده در قالب یک ساختار بی‌نظیر و هنری، معنایی را درک کند که نویسنده غیرمستقیم بدان اشاره کرده است و ابهام هنری آن باعث می‌شود که برداشت‌های متفاوتی از آن حاصل شود؛ اما در زندگی‌نامه خودنوشت، نویسنده می‌خواهد با ذکر سرگذشت خود، تجارب خود را به دیگران با شفافیت منتقل کند، چنان‌که فصل اول «آن سال‌ها» فقط توصیف «چراغو» (شب‌نشینی) است؛ در این فصل هیچ اتفاقی روی نمی‌دهد و هیچ شخصیتی معرفی نمی‌شود. فصل دوم نیز بیشتر توصیف است. این توصیف‌ها نمایانگر اطناب در کلام است که پیرنگ داستانی را ضعیف می‌سازد. نمونه دیگر اطناب در کتاب «آن سال‌ها» ذکر بیش از بیست انشا در فصل ۳۹ است؛ انشاهایی که دانش‌آموزان دکتر یاحقی نوشته بودند. این موارد نشان می‌دهد که باید پیرنگ زندگی‌نامه را کاملاً متفاوت با داستان در نظر آوریم؛ زیرا ساختار و ظرفیت‌های زندگی‌نامه متفاوت است.

دکتر یوسفی نیز به این نکته اشاره کرده است: «حسب حال مانند داستان نیست که بتوان آنچه را با کلیت و وحدت داستان هم‌آهنگ نمی‌نماید زائد پنداشت» (یوسفی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۰۷).

در مطالعات صورت‌گرایان روس نیز منظور از پیرنگ، همان جانب هنری تنظیم وقایع است که یک اثر ادبی خلاق را به وجود می‌آورد، اما در اصطلاح ایشان «داستان» (Story) چیزی است در حدود گزارش وقایع روزمره، بدون هیچ گونه خلاقیتی. نمونه‌اش صفحه حوادث روزنامه‌ها (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۸۴-۱۸۵). با توجه به آنچه شفیعی نقل کرده است پیرنگ تنظیم وقایع است. آیا در زندگی‌نامه از جمله در «آن سال‌ها» وقایع به نحوی هنری پس و پیش شده‌اند یا فقط به ترتیب مثل حوادث روزنامه، ذکر شده‌اند؟ به نظر می‌رسد زندگی‌نامه‌نویس به تنظیم وقایع نمی‌پردازد.

در پایان بحث پیرنگ، ذکر یک نکته ضروری است: امروزه روایت، در علوم مختلف، به معنای کلی‌تر نقل تجربه‌ها، به کار می‌رود و پیرنگ را چنین تعریف کرده‌اند: «در بیانی کلی، می‌توان پیرنگ را بیانگر زنجیره‌ای از حوادث و روی‌دادها در داستان دانست و مبنایی که این حوادث بر آن اساس، در هم تنیده می‌شوند، راویان حوادث واقعی که تجربه‌های زیسته خود را بیان می‌کنند، ممکن است از طرح خود یا پیرنگ روایت خویش، علی‌رغم تبعیت از آن در بیان حوادث، آگاهی نداشته باشند» (عطاران، ۱۳۹۵: ۱۵).

در عبارت فوق، ذکر این نکته که ممکن است راوی از پیرنگ خود خبر نداشته باشد، به این دلیل است که راویان این روایت‌ها و تجربه‌های واقعی، خود طرح یا پیرنگ روایت را نمی‌ریزند، بلکه رخ‌دادها همان گونه که روی داده و به همان ترتیب و با همان دلایل نقل می‌شود.

اگر با این دیدگاه، پیرنگ را متصل‌کننده بخش‌های روایت بدانیم پیرنگ را از مقام یک عنصر هنری تنزل داده‌ایم. با این تصور اخیر، مقاله هم پیرنگ دارد چون نویسنده مقاله نیز در چارچوب خاصی مطلبی را می‌نویسد که شروع و میانه و پایان دارد.

جدول ۱- تفاوت پیرنگ در داستان و زندگی‌نامه

پیرنگ در داستان	پیرنگ در زندگی‌نامه
پیرنگ در داستان، تقلید از عمل است.	پیرنگ در زندگی‌نامه، نقل تجربه است.
در داستان نویسنده، حوادث و شخصیت‌ها را خلق می‌کند.	در زندگی‌نامه، حوادث و شخصیت‌ها آن گونه که دیده و شنیده شده، توصیف می‌شود.
نویسنده داستان، ماجراها را طوری انتخاب و تنظیم می‌کند که روابط علت و معلولی آن منطقی باشد.	در زندگی‌نامه، ماجراها واقعی است و روابط علت و معلولی آن منطقی و واقعی است.
در داستان، عنصر راز و غافل‌گیری وجود دارد.	در زندگی‌نامه، راز و غافل‌گیری نیست؛ زیرا ۱- نویسنده چیزی را کتمان نمی‌کند؛ ۲- احتمالاً خواننده شخصیت زندگی‌نامه را از قبل می‌شناسد.
در داستان، نویسنده همه چیز را نمی‌گوید	در زندگی‌نامه، همه چیز مفصل، دقیق و کامل بیان می‌شود.
در داستان، نویسنده می‌خواهد خواننده داستان را باور کند.	در زندگی‌نامه، نویسنده می‌خواهد خواننده صداقت و دقت نویسنده را باور کند.

در پایان، ذکر این نکته لازم است که به غیر از پیرنگ، اصطلاحی وجود ندارد که مفهوم «متصل کننده اجزای روایت» را در بر داشته باشد. بدین سبب، به نظر می‌آید بهتر باشد که پیرنگ به دو گونه تقسیم شود:

(۱) پیرنگ داستانی: که در آن، نویسنده با تخیل خود طرحی می‌ریزد و حوادث و شخصیت‌های داستان را انتخاب می‌کند و معمول آن است که خواننده از پیرنگ هنرمندانه شگفت‌زده شود؛

(۲) پیرنگ روایی: که در آن، نویسنده ترتیب نقل حوادث را همان گونه که اتفاق افتاده و با دقت نقل می‌کند.

۲-۳- شخصیت و شخصیت‌پردازی

اشخاص ساخته‌شده‌ای (مخلوقی) را که در داستان و نمایشنامه و ... ظاهر می‌شوند، شخصیت (Character) می‌نامند. شخصیت در اثر روایتی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند، وجود داشته باشد. خلق چنین شخصیت‌هایی را که برای خواننده در حوزه داستان تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می‌کنند، شخصیت‌پردازی می‌خوانند (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۱۲۲).

با توجه به تعریف شخصیت، افراد و توصیف آن‌ها در زندگی‌نامه، مصداق کامل و همه جانبه شخصیت و شخصیت‌پردازی نیستند؛ زیرا افراد زندگی‌نامه، مخلوق نویسنده نیستند، بلکه اشخاص واقعی هستند اما از سوی دیگر، شخصیت‌پردازی مهم‌ترین عاملی است که زندگی‌نامه را به داستان شبیه می‌سازد.

جریانی که به یاری آن، خواننده را با اشخاص داستان آشنا می‌کنیم توصیف نامیده می‌شود. برای انجام این کار از سه شیوه استفاده می‌شود: (۱) توصیف یا توضیح مستقیم؛ (۲) توصیف به یاری گفتگو؛ (۳) توصیف به یاری عمل.

بهترین و مؤثرترین راه این است که نویسنده این سه شیوه را به هم بیامیزد، روش نخست -یعنی توصیف یا توضیح مستقیم- بویژه، اگر تنها به کار رود، بسیار خسته کننده است (یونسی، ۱۳۸۴: ۳۰۱).

شخصیت‌های داستانی را به انواعی تقسیم کرده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: - شخصیت ایستا و پویا: شخصیت ایستا از ابتدا تا پایان داستان تغییر نمی‌کند؛ اما شخصیت پویا در جریان رخدادها، داستان، متحول می‌شود (امیری و فرخ‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۱۷).

- شخصیت ساده و شخصیت جامع: منظور از شخصیت ساده فردی است که تنها با یکی از وجوه انسانی خود در داستان حضور می‌یابد. شخصیتی که تنها شناخت مخاطب از او ترسو بودن و یا خرافی بودن و یا مغرور بودن اوست، شخصیتی ساده است. در مقابل، اگر شخصیتی با تمام وجوه خود، در داستان حضور پیدا کند شخصیتی جامع خواهد یافت. معمولاً، وجود هر دوی این شخصیت‌ها در داستان ضروری است. شخصیت‌های ساده گاه برای تقویت و پررنگ کردن شخصیت‌های جامع مورد استفاده قرار می‌گیرند (مستور، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۴).

شخصیت‌پردازی در زندگی‌نامه شبیه شخصیت‌پردازی در داستان است. شخصیت‌پردازی در زندگی‌نامه «آن سال‌ها» ویژگی‌های زیر را دارد:

الف) شخصیت‌پردازی در زندگی‌نامه، بیشتر از طریق شرح و توصیف مستقیم صورت می‌گیرد؛ گفت‌وگو در زندگی‌نامه «آن سال‌ها» به ندرت دیده می‌شود؛ زیرا روایت با شرح و توصیف مستقیم نقل می‌شود و نویسنده، سرگذشتی را از گذشته دور نقل می‌کند. زندگی‌نامه، روایت سرگذشت سال‌های بسیار دور است؛ از این رو روایت به صورت زنده و با نقل گفت‌وگوها و توصیف اعمال نقل نمی‌شود؛ در نتیجه، توصیف رفتار و نقل گفتار شخصیت‌ها در زندگی‌نامه کمتر از داستان دیده می‌شود و بیشتر نویسنده زندگی‌نامه، شرح می‌دهد. {این نکته در بخش زاویه دید بررسی خواهد شد.}

ب) زندگی‌نامه از نظر طول و تفصیل، شبیه رمان است و زندگی‌نامه‌نویس، فرصت لازم برای شخصیت‌پردازی دارد. یاحقی با حوصله کافی به پردازش شخصیت‌ها، از جمله به شرح شخصیت خود، مادر، پدر و عمویش پرداخته است. یکی از نکات مثبت شخصیت‌پردازی در این کتاب آن است که نویسنده درباره شخصیت پدر یا عمو یا سایر اشخاص، فقط خوبی‌ها را نگفته، بلکه نکات قابل انتقاد را نیز درباره شخصیت‌های زندگی‌نامه آورده است. این یکی از تفاوت‌های اصلی شخصیت‌پردازی در زندگی‌نامه است که نویسنده درباره اشخاص دیگر قضاوت می‌کند، چنان‌که در فصل ۲۸ کتاب، علاوه بر توصیف استادان دانشکده ادبیات مشهد، درباره شخصیت و کار آنها قضاوت هم می‌شود.

ج) نویسنده در مورد خصوصیات ظاهری مثل قد، چهره، اندام و لباس شخصیت‌های خانواده خود، صحبت چندانی به میان نیاورده و این نکته می‌تواند از تفاوت‌های شخصیت‌پردازی در داستان و زندگی‌نامه باشد، به ویژه توصیف مادر؛ زیرا نویسنده زندگی‌نامه، در توصیف برخی از شخصیت‌هایی که به او بسیار نزدیک هستند ملاحظاتی برای خود دارد و نمی‌توان مثالی از این گونه توصیفات ظاهری درباره اشخاص اصلی کتاب در این روایت پیدا کرد.

شخصیت‌های اصلی در زندگی‌نامه «آن سال‌ها» عبارتند از:

شخصیت‌راوی

راوی یا نگارنده، شخصیت اصلی زندگی‌نامه است که با توضیح و توصیف مستقیم، دوران کودکی و نوجوانی و بزرگسالی خود را به نگارش درآورده است. راوی شخصیتی پویاست و همین باعث توجه خواننده به داستان زندگی اوست؛ با بزرگ شدن مسائل زندگی را بهتر می‌فهمد و قوی‌تر می‌گردد. در جلد دوم کتاب «آن سال‌ها» تحوّل شخصیت‌راوی بخوبی دیده می‌شود؛ راوی «دل به ملکوت آسمان‌ها می‌فرستد» و «راز را با معبود خود در میان می‌گذارد» (یاحقی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۵۰)، او که «در کودکی از جمع

گریزان» بود در راه علم و دانش با دوستان همراه می‌شود (همان: ۶۷) و در مخزن کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها، سیر و سیاحت می‌کند (همان: ۷۲) و «مشتی‌ری پر و پا قرص کتابخانه دانشکده ادبیات» می‌شود (همان: ۱۲۸)، «دغدغه سفر و دیدن جاهای ندیده» در وجودش پنجه می‌افکند (همان: ۲۸۳).

در عبارت زیر، راوی به تحوّل روحی خود اشاره کرده است:

«دنیای تازه من آغاز شده بود. دیگر، نمی‌توانستم جریان رازها را کشف کنم. چیزی به بزرگی یک سرزمین در ذهنم گسترش می‌یافت. دیگر، می‌توانستم خودم را فراموش کنم. شهرم که به اندازه همه عالم برایم مهم بود، از هر سو گسترش می‌یافت، حسن جغرافیایی غریبی در من زبانه می‌کشید و تا مرزهای بزرگ وطنم گسترده می‌شد. من آن سال معنای بزرگ شدن و قد کشیدن را دریافتم و خودم را در کشاله زمان وسعت دادم.» (همان: ۲۵۶).

آنچه درباره تحوّل احوال راوی و فعالیت‌های او گفته شد نشان می‌دهد که راوی شخصیتی جامع دارد و جنبه‌های علاقه به خانواده، اجتماع، دوستان، علم و دانش، باورهای معنوی و عشق به وطن در او دیده می‌شود.

شخصیت پدر

یکی از شخصیت‌های اصلی کتاب، پدر نویسنده است که اعمال و رفتار او، زندگی این خانواده را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ پدر، دارای شخصیتی بسیار معتقد، مذهبی، متشرّع و پای‌بند به سنت‌ها و نیز خانواده بود. او مهربان و بسیار دلوپس و نگران آینده برادر مجنون و شیدای خویش بود؛ آن گونه که حتی خوشی و راحتی خانواده خود را، فدای او بودن کرد. پدری که از لحاظ مالی، یکی از متمولین و تجار شهر خویش و مردی جاافتاده و نامدار بود (یاحق، ۱۳۹۶، ج ۱: ۷۶) و به خاطر مراقبت از برادر خود در زندگی دست‌بسته شده بود (همان: ۴۰)، چنانکه همین دلسوزی‌ها، او را به سمت ناداری و فقر کشاند. او اسوه صبر و تحمل است. بارها در «پنجه شاهینی زیر دست و

پای عمو پریپر می‌زند» اما به دیگران می‌گوید: «چیزی نیست، اخوی شوخی می‌کند! امروز غذا اذیتش کرده است.» یا «چیزی نیست، اخوی کسالت دارد، خوب می‌شود.» (همان: ۸۱).

شخصیت مادر

نقش مادر به عنوان یکی از شخصیت‌های اصلی این روایت، در زندگی نویسنده، بسیار مهم و ارزنده است؛ چنانکه در طول روایت، مدیون بودن نویسنده به مادرش، این زن صبور و مهربان و زحمت‌کش و نیز همدم خوب زندگی و یک پای کار در کنار پدر و دیگران، بخوبی، نمایان است:

«من بدون آنکه خیلی هم «بچه ننه» باشم، به مادرم تعلق خاطر بیشتری نشان می‌دادم، نه که من بدهم، همه عوامل دست به دست هم می‌داد تا او مرا بیشتر دوست داشته باشد» (همان: ۴۱).

شخصیت عمو

در داستان‌نویسی، «شخصیت مقابل» (Foil) یکی از انواع شخصیت‌هاست که در برابر شخصیت‌های اصلی قرار می‌گیرد تا آن شخصیت‌ها، بهتر نشان داده شوند (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۹۱). در زندگی‌نامه «آن سال‌ها»، شخصیت عمو، یک شخصیت مقابل است که با وجود او، ویژگی‌های شخصیت راوی، صبر و مسئولیت‌شناسی پدر و رنجوری مادر راوی آشکار می‌شود.

غلام حسین صفوی مشهور به صفوی، عموی نویسنده است که در عنفوان جوانی به دلایل نامعلوم، مجنون و سرگشته می‌شود، شخصیت صفوی از اشخاص قابل توجه داستان است. با شخصیت‌پردازی قوی، خواننده، شخصیت صفوی را چنان که بوده، تصور می‌کند. راوی برای شخصیت‌پردازی، از گفتن واقعیت‌های تلخ و شیرین رفتارهای عمو صفوی، ابایی ندارد و حتی گاه از صفات و توضیحات زننده و تلخ سود

جوید. عمو در «آن سال‌ها»، شخصیتی ساده دارد؛ زیرا فقط جنبه جنون و پیامدهای آن از قبیل سرکشی، پرخاشگری، لجبازی و ترش‌رویی از او دیده می‌شود.

۳-۳- زاویه دید

زاویه دید در داستان، فرم و شیوه روایتی داستان است که نویسنده به کار می‌گیرد. به عبارت دیگر زاویه دید، روش نویسنده در گفتن داستان است (مستور، ۱۳۸۶: ۳۵). زاویه دید ممکن است درونی باشد یا بیرونی. در زاویه دید درونی، داستان از زاویه دید اول شخص گفته می‌شود، اما در زاویه دید بیرونی داستان از زاویه دید سوم شخص نقل می‌شود (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۳۸۷-۳۸۶).

«در زندگی‌نامه‌های خودنوشت یا اتوبیوگرافی، راوی، اول شخص است. در این نوع دیدگاه، راوی داستان یکی از شخصیت‌هاست که ممکن است اصلی یا فرعی باشد. در این نوع داستان‌ها، راوی به شکلی در پیش‌برد داستان سهم دارد و در مورد دیگر شخصیت‌ها قضاوت می‌کند. در عین حال، شخصیت‌ها را از افکار و احساسات و انگیزه‌های خود آگاه می‌سازد. این نوع دیدگاه، ترکیبی از دیدگاه سوم شخص یا دانای کل نمایشی و اول شخص است» (بی‌نیاز، ۱۳۸۷: ۸۱-۸۰).

به عبارت روشن‌تر، هرگاه راوی از خود می‌گوید اول شخص و هرگاه درباره دیگران صحبت می‌کند زاویه دید سوم شخص است. راوی اول شخص، مخاطب را با سهولت بیشتری در متن داستان فرو می‌برد. در واقع خواننده احساس می‌کند که یکی از اشخاص داستان، در حال نقل داستانی برای اوست. از این رو، به این دیدگاه، «دیدگاه درونی» هم می‌گویند (مستور، ۱۳۸۶: ۴۲).

در ذیل زاویه دید اول شخص، دو گونه فرعی از شیوه روایت قابل ذکر است:

۱) «دیدگاه تک‌گویی درونی (Interior monologue) گونه‌ای از زاویه دید اول شخص است که راوی با گفتن ذهنیات خود، داستان یا به عبارتی رخ‌دادها، کنش‌ها و

گفت‌وگوهای شخصیت‌ها و رابطه‌ها را بازگویی می‌کند. چون در این حالت، فرض بر این است که مخاطبی وجود ندارد، راوی حرف‌های خود را به نحو پراکنده و بی‌نظم و قاعده‌ای بیان می‌کند. قواعد معمولی نباشد» (بی‌نیاز، ۱۳۸۷: ۸۵).

۲) دیدگاه تک‌گویی بیرونی (External monologue) گونه‌ای از دیدگاه اول شخص است که راوی با گفتن ذهنیات خود، داستان را بازگو می‌کند؛ اما با این فرض که کسی مخاطب اوست. به علت وجود مخاطب، شیوه گفتارش به لحاظ نحوی از سامان مرسوم و معمول برخوردار است (همان: ۸۵).

زاویه دید اول شخص از این نظر که نویسنده سریع‌تر می‌تواند از زمان حال به گذشته برود بر زاویه دید سوم شخص مزیت دارد، چراکه در این زاویه دید دیگر نیازی به ایجاد فضایی برای استفاده از شیوه‌های غیرمستقیم نیست. خاطراتی که از زبان اول شخص بیان می‌شود طبیعی‌تر و صادقانه‌تر است (بیشاپ، ۱۳۸۳: ۱۰۴).

با توجه به این نکته که در این مقاله، عناصر داستانی در زندگی‌نامه به صورت تطبیقی بررسی می‌شود باید به این نکته پردازیم که آیا زاویه دید در زندگی‌نامه مانند زاویه دید در داستان است؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؟ بدین سبب ابتدا مهم‌ترین ویژگی‌های زاویه دید در زندگی‌نامه «آن سال‌ها» معرفی می‌شود: الف) زاویه دید در کتاب «آن سال‌ها» اول شخص است و هرگاه نویسنده درباره دیگران سخن می‌گوید از زاویه دید سوم شخص استفاده می‌کند. برای مثال فصل ۳۰ از کتاب «آن سال‌ها» که درباره مسائل سیاسی و اجتماعی است با زاویه دید سوم شخص نقل شده است (یا حقی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۹۳-۲۰۰)؛ ب) در کتاب «آن سال‌ها»، راوی اول شخص از تک‌گویی بیرونی بسیار بهره برده است تا از ذهنیات خود گزارش سودمندی به خواننده ارائه کند؛ نمونه‌ای از تک‌گویی بیرونی در «آن سال‌ها»:

«زمین مادرِ بزرگ ماست و سرزمین ما زادبوم ما، مادرمان که ما را به جان پرورده و به خون دل برآورده‌است. پس اگر به زمین تعلق خاطر داریم و آن را بر هر چه جز آن

ترجیح می‌نهم یا اگر به سرزمین و زادبوم خود دل می‌بندیم و از آن نمی‌توانیم به آسانی دل برداریم، از آن است که به یک ندای درونی پاسخ می‌گوییم» (همان: ۲۵۶).

«به یاد نمی‌آورم که چرا آن سال‌ها، این همه از مدرسه رفتن واهمه داشتم؛ این قدر هست که به مادر و محیط خانه بسیار انس گرفته بودم و برای یک لحظه هم که شده بود، بی دلیل نمی‌توانستم از خانه و مادر جدا باشم ... از بچه‌ها خوشم نمی‌آمد، حرف‌هایشان گاهی برایم ناگوار و سنگین می‌آمد، همه‌اش احساس می‌کردم که من با آنها مناسبتی ندارم. آخر بزرگ‌ترها خیلی اذیت می‌کردند؛ لجم را در می‌آوردند.» (همان: ۱۷۵).

پ) یکی از برجستگی‌های زاویه دید، در «آن سال‌ها» آن است که راوی اول شخص در موارد متعدد درباره خود مانند شخص دیگری سخن گفته است؛ مثلاً، به جای استفاده از ضمیر «خود»، از لفظ «کودک» استفاده کرده است:

«اکنون می‌توانم چشمان خیره کودکی را در نظر بیاورم که در دامن مادر به فضای غبارآلود ماشین برکپور خیره مانده است و در حرکت ناهموار ماشین و دست‌اندازهای بی‌امان جاده، تکانی می‌خورد و دل به خواب نمی‌دهد» (همان: ۵۸-۵۵).

در عبارت زیر نیز منظور از «جوکی غریب» راوی زندگی‌نامه است:

«آن سال‌ها در اطاق چهار پنج متری خانه‌ای واقع در انتهای آن کوچه باریک، می‌توانستی سراغ یک جوکی غریب و نوجوان را بگیری که دست ردّ به سینه روزگار گذاشته و در همه کامیاری‌های مقتضای جوانی را، به روی خود بسته است» (همان: ۵۰).

در عبارت زیر نیز منظور از «یکگی آواره از کویر» نویسنده است:

«یکگی آواره از کویر، اینک جفت خود را یافته بود، میلان هفتم خیابان ضد موعده و میعاد این جفتی بود که دیگر بعد از این تا پایان چهار سال دانشکده ادبیات مشهد، کسی آنها را جدای از هم نمی‌توانست به نظر بیاورد.» (همان: ۶۹).

همچنین، در این عبارت راوی اول شخص، به جای ضمیر «من»، از لفظ جوانک شهرستانی استفاده کرده است: «نظر معلم‌ها حسابی به طرف من جلب شده بود. هر بار که معلمی ورقه‌ها را به کلاس می‌آورد، تقریباً همه منتظر بودند که ورقه من را به رخ آنها بکشد و تلویحاً بگوید از این بچه شهرستانی و بی‌ادعا، درس خواندن را یاد بگیرد ... این موقعیت دم افزون حسابی نام آن جوانک شهرستانی را بر سر زبان‌ها انداخته بود» (همان: ۱۰۸).

به نظر می‌رسد در شیوه اخیر، یاحقی از اسلامی‌ندوشن تقلید کرده باشد؛ زیرا نمونه‌هایی این چینی در کتاب روزها نیز دیده می‌شود:

«کودک می‌پنداشت که کبوده مرکز دنیاست و چه اندازه هم بزرگ است» (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۶۳: ۱۹).

ت) زاویه دید در زندگی‌نامه «آن سال‌ها» ویژگی دیگری نیز دارد؛ در زندگی‌نامه از شیوه فراخ‌منظر (Panorama) و شیوه نمایشی (Scene) استفاده می‌شود و استفاده از شیوه فراخ‌منظر بیش‌تر است. شیوه فراخ‌منظر، چشم‌انداز پهناوری دارد و اغلب با شرح و توصیف همراه است، اما شیوه نمایشی لحظه‌های خاص را ثبت می‌کند. شیوه نمایشی معمولاً با ذکر جزئیات و استفاده از گفت‌وگو همراه است و زمان حوادث در آن تا حد ممکن کوتاه می‌شود (میرصادقی، ۵۴۷-۵۴۹).

شیوه فراخ‌منظر مانند دوربینی است که از بلندی و از فاصله‌ای صحنه‌ها را ثبت می‌کند، اما شیوه نمایشی شخصیت‌ها را از فاصله بسیار نزدیکی و با نشان دادن جزئیات و صحبت‌هایشان نشان می‌دهد. مهم‌ترین ویژگی روایی «آن سال‌ها» به عنوان یک زندگی‌نامه خودنوشت آن است که شیوه فراخ‌منظر در آن بسیار دیده می‌شود. البته این ویژگی متناسب با اهداف نوشتن زندگی‌نامه است؛ زیرا نویسنده زندگی‌نامه هدف اصلیش نشان دادن فرهنگ و زنده نگه‌داشتن عناصر ارزشمند مادی و معنوی تاریخ است.

در زندگی‌نامه‌نویسی می‌توان از ظرفیت‌های عنصر زاویه دید به خوبی استفاده کرد. واقعی بودن شخصیت‌ها و رخ‌دادها سبب تفاوت قابل توجه پیرنگ و شخصیت‌پردازی در داستان و زندگی‌نامه می‌شود، اما امکانات زاویه دید هم در داستان و هم در زندگی‌نامه قابل استفاده می‌باشد.

۴- نتیجه‌گیری

زندگی‌نامه‌ی خودنوشت یکی از گونه‌های زندگی‌نامه است که در آن، راوی شرح زندگی خود را می‌نویسد. زندگی‌نامه به سبب اطلاعات سودمندی که در آن ارائه می‌شود مورد توجه قرار می‌گیرد، مخصوصاً اگر راوی شخصیت شناخته‌شده‌ای باشد. جذابیت دیگر زندگی‌نامه آن است که مانند داستان است و از عناصر داستانی مخصوصاً شخصیت‌پردازی بهره‌مند می‌باشد.

با توجه به شباهت‌های زندگی‌نامه و داستان، در این تحقیق عناصر داستانی پیرنگ، شخصیت‌پردازی و زاویه دید در «آن سال‌ها» بررسی شد. نتایج تحقیق نشان داد که پیرنگ در زندگی‌نامه با پیرنگ داستانی تفاوت‌های زیادی دارد و در واقع پیرنگ به معنی واقعی و هنری، چنان که در داستان دیده می‌شود، در زندگی‌نامه (و خاطره) وجود ندارد؛ زیرا پیرنگ تقلید از عمل است؛ اما زندگی‌نامه گزارش عینی عمل است؛ در پیرنگ حوادث و شخصیت‌ها بر اساس تخیل نویسنده خلق می‌شود؛ اما در زندگی‌نامه حوادث همان طور که اتفاق افتاده نقل می‌شود؛ «راز» عنصر لازم پیرنگ است؛ اما در زندگی‌نامه دیده نمی‌شود، زیرا «راز» با به تأخیر انداختن نقل حوادث و پنهان نگه داشتن برخی مسائل جهت غافلگیر ساختن خواننده به وجود می‌آید، اما در زندگی‌نامه، عنصر راز دیده نمی‌شود.

قابل ذکر است که امروزه اصطلاح «پیرنگ» برای قالب‌های غیر داستانی مثل زندگی‌نامه، خاطره و گزارش‌های روایی به کار می‌رود و منظور از آن «پیونددهنده»

اجزای قالب به بهترین ترتیب» است، به همین سبب بهتر است در این زمینه، دو اصطلاح داشته باشیم: (۱) پیرنگ روایی: به معنای رشته پیوند اجزای روایت از جمله خاطره و زندگی‌نامه؛ (۲) پیرنگ داستانی: به معنای رشته پیوند اجزای داستان به نحو هنری.

شخصیت‌پردازی در زندگی‌نامه همانند شخصیت‌پردازی در داستان با سه روش توصیف نویسنده، نقل‌گفت‌وگو و کنش شخصیت‌ها انجام می‌شود، اما اغلب نویسنده برای شخصیت‌پردازی از توصیف مستقیم استفاده می‌کند و به همین علت استفاده از گفت‌وگو بسیار کم است. ویژگی دیگر آن است که شخصیت‌پردازی در زندگی‌نامه با ملاحظاتی همراه است؛ چنان‌که نویسنده «آن سال‌ها» در توصیف هیأت ظاهری اعضای خانواده خود چیزی نگفته است. همچنین، نویسنده زندگی‌نامه نظر شخصی خود را در مورد شخصیت‌ها بیان و همواره آن‌ها را قضاوت می‌کند، در صورتی که در داستان شخصیت‌ها از سوی نویسنده قضاوت نمی‌شوند.

بررسی «آن سال‌ها» نشان داد که تمام ظرفیت‌های هنری و بلاغی زاویه دید (به عنوان یکی از عناصر داستانی) در زندگی‌نامه قابل استفاده است. راوی «آن سال‌ها» زندگی خود را با اول شخص روایت می‌کند و در مواردی که راوی، دیگران را توصیف می‌کند از زاویه دید سوم شخص استفاده می‌کند و هرگاه بخواهد از ذهنیات و افکار خود بگوید از تک‌گویی بیرونی بهره می‌برد. شگرد دیگر راوی در استفاده از زاویه دید آن است که نویسنده در موارد متعددی به جای استفاده از ضمیر «من» یا «خود» از لفظی مانند کودکی، جوانکی استفاده می‌کند و زاویه دید از اول شخص به سوم شخص تغییر می‌یابد.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. آذربورن، برایان د. / سایر، ریچارد (۱۳۸۷)، چگونه زندگی‌نامه بنویسیم؟ ترجمه محسن سلیمانی، تهران: سوره مهر.
۲. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۶۳)، روزها. تهران: انتشارات یزدان.
۳. امیری خراسانی، احمد و مهین‌دخت فرخ‌نیا (۱۳۹۷)، مبانی نگارش و پژوهش، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
۴. بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۸۷)، درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی، تهران: افراز.
۵. بیشاپ، لئونارد (۱۳۸۳)، درس‌هایی درباره داستان‌نویسی، ترجمه محسن سلیمانی، چاپ سوم، تهران: سوره مهر.
۶. دات فایر، دیان (۱۳۸۸)، فن رمان‌نویسی، ترجمه محمدجواد فیروزی، تهران: نگاه.
۷. رستگار فسایی، منصور (۱۳۹۷)، انواع نثر فارسی، تهران: انتشارات سمت.
۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱)، رستاخیز کلمات: درس گفتارهایی درباره نظریه ادبی صورت‌نگرایان روس، تهران: انتشارات سخن.
۹. عطاران، محمد (۱۳۹۵)، پژوهش‌روایی: اصول و مراحل، تهران: دانشگاه فرهنگیان.
۱۰. فورستر، ادوارد مورگان (۱۳۸۴)، جنبه‌های رمان، ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات نگاه.
۱۱. مستور، مصطفی (۱۳۸۶)، مبانی داستان کوتاه، تهران: نشر مرکز.
۱۲. مک‌کی، رابرت (۱۳۸۲)، داستان: ساختار، سبک و اصول فیلمنامه‌نویسی، ترجمه محمد گذرآبادی. تهران: هرمس.
۱۳. میرصادقی، جمال (۱۳۷۶)، عناصر داستان، انتشارات: سخن.
۱۴. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۹۶)، آن سالها، تهران: انتشارات معین.
۱۵. یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۷)، دیداری با اهل قلم، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.

۱۶. یونسی، ابراهیم (۱۳۸۴)، *هنر داستان نویسی*، تهران: انتشارات نگاه.

ب) مقاله‌ها

۱. ایرانمنش، مریم (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی *الایام طه* حسین و *روزهای محمدعلی* اسلامی ندوشن»، *ادبیات تطبیقی*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۴، ش ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۲۴-۱.

۲. ایروانی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «نگاهی به خاطره‌نویسی و مقایسه آن به زندگی‌نامه و سفرنامه»، *زبان و ادبیات فارسی*، سال سوم، شماره ۸، صص ۷۳-۱۰۰.

۳. زارع، الهام و همکاران (۱۳۹۷)، «عناصر داستانی خاطره نوشته‌های دفاع مقدس با تاکید بر اثر دخترشینا»، *متن پژوهی ادبی*، سال ۲۲، شماره ۷۶، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۹۱-۲۱۳.

۴. ملائی توانی، علیرضا (۱۳۸۸)، «اصول و مبانی سرگذشت نگاری: ملاحظاتی درباره روش‌شناسی زندگی‌نامه نویسی»، *تاریخ نگری و تاریخ نگاری*، سال نوزدهم، دور جدید، شماره ۳، پیاپی ۸۰، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۶۵-۱۴۱.

ج) منابع لاتین

Soe, K. (2010, June 11). *Types of plot*. Retrieved March 27, 2020 from <https://www.southshoreinternational.org>.